

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۷ - ۵۴

## بررسی تجربی مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان

### Empirical Investigation of Stages of Evolution in Belief in God in Children and Juveniles

محمود نوذری / استادیار علوم تربیتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مجتبی حیدری / دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی عسگری / استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی

سیدمحمد رضا موسوی نسب / استادیار علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Mahmud Nowdhari / Assistant Professor of Educational Sciences, RIHU.

mnowzari@rihu.ac.ir

Mujtaba Heydari / PhD of Psychology, IKI.

Ali Askari / Assistant Professor of Educational Psychology, KHU.

Sayyid Muhammad Reza Musawi-Nasab / Assistant Professor of Educational Sciences, IKI.

#### ABSTRACT

The present research aims at an empirical investigation of the stages of evolution in belief in God in children and juveniles based on Nowdhari's theoretical research (2012) and was conducted through a cross-sectional method. The components of belief in God in this research are as follows: knowing God, knowing the meaning system, faith emotion and faith commitment. The research data were gathered through clinical method and a

#### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تجربی مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان بر مبنای پژوهش نظری نوذری (۱۳۸۹) و با روش مقطعی انجام شده است. مؤلفه‌های ایمان به خدا در پژوهش حاضر عبارتند از: شناخت خدا، شناخت نظام معنایی، عاطفه ایمانی و التزام ایمانی. داده‌های پژوهش بر پایه روش بالینی و از طریق مصاحبه انفرادی نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۹۸ دانش‌آموز

semi-constructed individual interview with 198 seven to seventeen years old students (males and females) in Qom selected through random classification, and were scored by five experts. The data were investigated through Analysis of Variance (ANOVA). The findings showed that as one's age increases, his level of belief in God also increases. Besides, based on the obtained results, the course of evolution in belief in God in children and juveniles has the following stages: undifferentiated sense of faith, learned conceptual faith, first-level abstract faith, complete abstract faith.

**KEYWORDS:** Stage, Evolution, Belief in God, Childhood and Adolescence.

(دختر و پسر) ۷ تا ۱۷ ساله شهر قم- که به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند- گردآوری و توسط پنج کارشناس نمره‌گذاری شدند. داده‌ها با روش تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سن، سطح ایمان به خدا نیز افزایش و دگرگونی می‌یابد. همچنین بر پایه نتایج به دست آمده، روند تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان دارای مراحل ذیل است: ایمان حسی نامتمایز، ایمان مفهومی آموخته شده، ایمان انتزاعی سطح اول، ایمان انتزاعی کامل. **کلید واژه‌ها:** مرحله، تحول، ایمان به خدا، کودکی و نوجوانی.

## مقدمه

ایمان به خدا از مهم‌ترین و اساسی‌ترین سازه‌های دینی در ادیان توحیدی و چارچوب دینداری شمرده می‌شود. ایمان به خدا، گام نخست برای ورود به یک دین توحیدی است و آثار متعددی بر آن مترتب می‌گردد. بر اساس منابع اسلامی، ایمان به خدا موجب برکنار ماندن از رفتارهای ناپسند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۱۴)، قبولی اعمال نیک (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۶)، آرامش دل (فتح: ۴)، برخورداری از رحمت پروردگار (حدید: ۲۸)، محبت در قلوب افراد (مریم: ۹۶)، آبهت در دل دیگران (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۹)، طهارت نفس و برخورداری از نور معنوی (حدید: ۲۸)، تعالی درجات (فتح: ۴؛ توبه: ۱۲۴)، دور شدن از دوزخ (انعام: ۴۸)، و ورود به بهشت (مؤمنون: ۱۰-۱۱) است. به اعتقاد شهید مطهری ایمان به خدا پایه همه مقدسات، ضامن حاکمیت اراده بر امیال انسان، پشتوانه اخلاق و عدالت، عامل ارزش یافتن عمل، شرط قبولی اعمال و مافوق همه امور است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۳، ص ۵۱۷).

در منابع اسلامی، ایمان از زوایای مختلف معنای ایمان و لزوم آن، ارکان، متعلقات و درجات ایمان، ویژگی‌های مؤمنان، عوامل افزایش و نقصان، آثار و پیامدهای ایمان و مانند آنها در تفاسیر و کتب روایی و منابع دیگر، مورد توجه قرار گرفته است. فیلسوفان، متکلمان، مفسران و محدثان بسیار

هر یک با نگاه خاصی تلاش کرده‌اند تا ابعاد مختلف آن را واکاوی کنند و توضیح دهند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۶۰-۷۵؛ مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ایزوتسو،<sup>۱</sup> ۱۳۸۹، ص ۱۵-۵۴؛ کیرکگور،<sup>۲</sup> ۱۳۸۸، ص ۴۵-۷۰؛ تیلیخ،<sup>۳</sup> ۱۹۵۷، ص ۲۵-۴۵).

در دوره معاصر، ایمان از منظر روان‌شناسی نیز از ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. مباحثی از قبیل: تعریف روان‌شناختی ایمان، ویژگی‌های ایمان، آثار و کارکردهای ایمان و مراحل تحول ایمان، از جمله مباحثی هستند که در روان‌شناسی دین امروز مورد توجه قرار دارند.

ایمان در لغت مصدر باب افعال و از ماده «أَمَن» است. ماده «أَمَن» به معنای ایمن بودن و در مقابل ترس به کار می‌رود و در همه مشتقات مختلف آن به نوعی می‌توان این معنا را باز یافت. گفته می‌شود «بیت آمین» به معنای خانه‌ای است که امن است و نباید از چیزی ترسید. مَأْمَن به معنای مکانی است که امنیت دارد. الأمان به معنای امنیت بخشیدن به کسی است (لسان‌العرب، ذیل ماده امن). خداوند دربارهٔ مشرکان که پناه خواسته‌اند می‌فرماید: «ثُمَّ أَلْبَغَهُمْ مَآمَنَهُ» (توبه: ۶) به این معناست که آنها را به جایی برساند که از کشته شدن ایمن باشند.

بنابراین، واژه «ایمان» با توجه به ریشه آن، به معنای تصدیق چیزی یا وثوق به کسی است که توأم با آرامش و سکون باشد. شهید ثانی با نظر به معنای «أَمَن» می‌گوید: حقیقت «أَمَنَ بِهِ» سکون و آرامش نفس است که به علت قبول قول یا امثال امر کسی به دست می‌آید که در این صورت «باء» سببیه است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۰). راغب اصفهانی نیز با اشاره به آیه «مَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَا لَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» (یوسف: ۱۷) می‌گوید: ایمان تصدیقی است که با آن امنیت باشد (مفردات الفاظ القرآن، ذیل ماده امن).

اما در اصطلاح، متفکران و اندیشمندان از فرقه‌های مختلف کلامی مسلمان معانی گوناگونی برای این واژه ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال برخی همچون اکثر گروه‌های مرجعی چون جهیمیه و صالحیه (اشعری، ۱۹۸۰، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ بغدادی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۷)، و نیز جمهور متکلمان شیعی از قبیل شیخ مفید (۱۴۱۳ق، ص ۶۹)، سید مرتضی (۱۴۱۱ق، ص ۵۳۶) شیخ طوسی (۱۳۵۸، ص ۶۳۹) خواجه طوسی (۱۳۷۰، ص ۹)، و شهید ثانی (۱۴۰۹ق، ص ۱۷۳-۱۷۴)، ایمان را با علم و معرفت مترادف گرفته‌اند. همچنین برخی مانند شیخ صدوق (۱۳۹۸ق، ص ۲۲۸-۲۲۹) ایمان را به مجموع باور قلبی، اقرار و اطاعت معنا کرده‌اند. چنین تصویری درباره ایمان، به محدثین و اهل سلف نسبت داده شده است (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

در میان متفکران شیعی، علامه طباطبائی با بررسی آیات قرآن کریم، دیدگاه جدیدی در باب مفهوم ایمان ارائه نمود. از نظر علامه طباطبائی، ایمان، علم به چیزی است همراه با سکون و اطمینان به آن و گره خوردن قلب بر مدلول آن (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۶ و ص ۱۴۵). ایمان به چیزی با مجرد علم به آن چیز حاصل نمی‌شود. آیات قرآن دلالت بر این دارد که ایمان همسان علم نیست. برای نمونه آیات:

۱. «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ» (محمد: ۲۵)؛ کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

۲. «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱۴)؛ و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند، دلالت دارند بر اینکه علم به خدا می‌تواند با ارتداد، کفر، انکار و گمراهی جمع شود.

بنابراین، علم به چیزی و جزم به اینکه آن چیز حق است، در حصول و اتصاف به ایمان کفایت نمی‌کند، بلکه در کنار آن، گره خوردن قلب بر مدلول آن، به گونه‌ای که عمل را فی‌الجمله در پی داشته باشد نیز، ضروری است (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۹).

پس از علامه طباطبائی نیز، رأی او درباره حقیقت ایمان، به وسیله کسانی که به نوبه خود از خوان حکمت متعالیه تغذیه و رشد کرده بودند، شرح و بیان گردید. آیت‌الله مصباح می‌فرماید: «در ایمان، علاوه بر علم و دانستن، یک عنصر دیگر نیز لازم است و آن عنصر روحی و روانی است که انسان باید حالت تسلیم و پذیرش و انقیاد در برابر حق و التزام به لوازم آن را در خود ایجاد کند. ایمان عبارت است از: علم به اضافه حالت انقیاد درونی در پذیرش لوازم آن علم» (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱). به تعبیر دیگر، ایمان عبارت است از: دل، چیزی را که عقل و ذهن تصدیق کرده، بپذیرد و بخواهد به همه لوازم آن ملتزم شود و تصمیم‌گیری بر انجام لوازم عملی آن بگیرد (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱). همچنین شهید مطهری، ایمان را مرکب از سه جزء می‌داند: ۱. درک و تشخیص و شناخت آن چیز آنچنان که هست؛ ۲. تسلیم در برابر واقعیت آن متناسب با واقعیتش؛ ۳. عشق و محبت به آن چیز (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰۷).

آنچه به عنوان نتیجه‌گیری در پایان می‌توان ابراز داشت این است که ایمان، پذیرش و تسلیم قلبی و عملی برخاسته از علم به چیزی و به دنبال آن، احساس عاطفی و محبت به آن است. به تعبیر

دیگر، هنگامی که انسان به امری، علم پیدا می‌کند و آن را تصدیق می‌کند، در مواردی، به دلیل ارزشمندی آن چیز و ارتباط آن با سرنوشت و همه وجود انسان، در دل نیز نسبت به آن یک علقه و احساس عاطفی پیدا می‌کند و به تعبیر علامه طباطبائی، قلب آدمی به مدلول آن گره می‌خورد (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۹). به دنبال این مرحله، حالت تسلیم و پذیرش و انقیاد در وجود فرد پدیدار می‌شود که او را به سوی تعهد و وفاداری به آن سوق می‌دهد. در این حالت می‌توانیم بگوییم ایمان نسبت به آن چیز، در فرد شکل گرفته است.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که ایمان دارای سه مؤلفه است: ۱. شناخت و معرفت؛ ۲. عاطفه و محبت؛ ۳. تسلیم، التزام و پذیرش.

با مطالعه پژوهش‌های انجام شده درباره ایمان در میان روان‌شناسان غرب، اختلاف و تناقض میان آنها و نگاه دینی به آن را آشکار می‌سازد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها، به اختلاف در تعریف ایمان مربوط می‌شود. برای نمونه، فاولر<sup>۱</sup> (۱۹۸۱، ص ۷۵) آن را دارای واقعیتی بشری و جهان‌شمول می‌داند. از دیدگاه او انسان هنگام تولد فاقد معنایی درباره جهان است و برای زندگی و استمرار آن به یک نظام معنایی نیاز دارد. بدین ترتیب، ایمان راهی است که انسان از طریق آن و با متعهد کردن خود به یک ارزش غایی و فرادست، نظام معنایی خود را می‌سازد. براین اساس، چنین نگاهی به مقوله ایمان، در اکثر دیدگاه‌های معاصر درباره تحول ایمان، مفروض گرفته شده است. در مقابل، از نگاه دینی، ایمان به معنای پذیرش و تصدیق یک امر مربوط به دین الهی است. برخی آن را می‌پذیرند و برخی دیگر، انکار می‌کنند. بنابراین، از نگاه دینی، ایمان یک امر جهان‌شمول قلمداد نمی‌شود.

اختلاف مهم دیگر بین پژوهشگران، به چگونگی تحول ایمان مربوط می‌شود. برای نمونه، فاولر (۱۹۸۱)، ساختار مدل تحول ایمان را با استفاده از هفت بعد (از قبیل: شکل کارکرد منطقی، توانایی ادراک متفاوت دیگران، و جایگاه اقتدار) و در هفت مرحله عملیاتی می‌کند. در مقابل، استرایب<sup>۲</sup> (۲۰۰۱، ص ۱۴۳-۱۵۸) با زیر سؤال بردن تحول شناختی به عنوان مبنا و هدایت‌گر تحول ایمان، و نیز با رد نگاه مرحله‌ای به تحول ایمان، پنج سبک ایمان فاعلی،<sup>۳</sup> ابزاری-متقابل،<sup>۴</sup> دوجانبه،<sup>۵</sup> فردگرایانه-نظام‌دار<sup>۶</sup> و مکالمه‌ای<sup>۷</sup> ارائه می‌کند.

1. Fowler. J.

2. Streib, H.

3. subjective.

4. instrumental-reciprocal.

5. mutual.

6. individuative-systemic.

7. dialogical.

بر پایهٔ فروض روان‌شناسی تحولی، شکل‌گیری ایمان امری تدریجی است، پایه‌های اولیه آن در کودکی ایجاد می‌شود و در نوجوانی می‌توان به فهمی معنادار از آن دست یافت. افزون‌براین، تحول ایمان به منظور دستیابی به مراحل بالاتر برای کسانی که در این راه مجدانه تلاش می‌کنند، استمرار می‌یابد (نوذری، ۱۳۸۹).

همچنین، یکی از عمده‌ترین مسائلی که در زمینه مراحل تحول ایمان وجود دارد، محتوا و گستره سنی این مراحل است. مطالعات مختلف بر اساس مبانی نظری، روش‌های پژوهش و نیز ابزارهایی که برای گردآوری داده‌ها به کار رفته تقسیم‌بندی‌های مختلفی از مراحل تحول ایمان، بر مبنای گستره سنی و نیز بر اساس محتوا ارائه داده است، به گونه‌ای که دریافت یک چارچوب و ساختار کلی را برای مراحل تحول ایمان با دشواری و گاه با تناقض روبه‌رو کرده و مطالعات در حوزه تحول ایمان، دیدگاه‌های متفاوتی را به وجود آورده است. برای نمونه، در طرح ال‌کاینده<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) تحول دینی طی مراحل طفولیت، اوائل کودکی، کودکی و نوجوانی، از طریق پدیدار شدن چهار نیاز شناختی (جست‌وجوی بقاء، جست‌وجو به دنبال بازنمایی،<sup>۲</sup> جست‌وجوی رابطه‌ها و جست‌وجوی درک) ترسیم می‌شود که متناظر با هر یک، جنبه‌ای از دین آن نیاز را برآورده می‌سازد. در مقابل، فاولر (۱۹۸۱)، ایمان را واقعیتی بشری و جهان‌شمول در نظر می‌گیرد که از طریق آن، افراد، نظام معنایی خود را می‌سازند. ایمان در دیدگاه فاولر، طی هفت مرحله از ابتدایی‌ترین حالت تا بالاترین وضعیت تحول می‌یابد.

با وجود آنکه در ایران تحقیقات متعددی در زمینه تحول مفاهیم دینی از قبیل خدا (اسکندری، ۱۳۸۶؛ خادمی، ۱۳۶۸) و دعا (موسوی‌نسب، ۱۳۸۹) انجام شده، اما درباره تحول ایمان به خدا با نظر به مفهوم ایمان در منابع اسلامی و در بین کودکان و نوجوانان ایرانی پژوهش تجربی و نظام‌داری انجام نگرفته است. عمده‌ترین مطالعه در ایران در زمینه تبیین تحول ایمان به خدا با توجه به سازوکارهای واسطه‌ای روان‌شناختی، توسط نوذری (۱۳۸۹) و بر اساس تعریف پیش‌گفته از ایمان و مؤلفه‌های آن انجام شده است. بر پایه این مطالعه، ایمان به خدا از تولد تا آغاز جوانی از پنج مرحله تحولی زیر عبور می‌کند:

۱. کودکی اول (تولد تا ۱/۵ و ۲ سالگی): شکل‌گیری مبانی و ریشه‌های اولیه ایمان. در این مرحله

ایمان از طریق تعامل والدین و ارزش‌های محیط با محیط فرهنگی - اجتماعی، نیاز کودک به تغذیه، نظافت و پذیرش توأم با گرمی و عطف شکل می‌گیرد؛

۲. کودکی دوم (۲ تا ۶ و ۷ سالگی): ایمان شهودی - تقلیدی - تخیلی، در این مرحله ایمان امری تقلیدی از کنش و حالات و اعمال مشهود بزرگسال است. اجزاء و عناصر شکل‌دهنده ایمان و ارتباط آنها در شکلی کلی، نامتمایز و مبهم جلوه‌گر می‌شود. کودک در این مرحله درک می‌کند که برخی مسائل مرتبط با خداست، خدایی که دارای صفاتی مانند علم و قدرت مطلق در شکلی مادی و خیال‌پردازانه است اما قادر به تمایز بین مؤلفه‌های ایمان به خاطر عدم توانایی اندیشیدن نیست؛

۳. کودکی سوم (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲ سالگی): ایمان آگاهانه - داستانی - لفظی، در مقایسه با مرحله قبل شناخت کودک از اجزا و عناصر دخیل در شکل‌گیری ایمان (شناخت خدا و صفات او، خود، جهان مادی، جهت‌گیری انگیزشی و ارتباط با خدا) تمایز یافتگی ویژه‌ای پیدا می‌کند. تصور مادی‌انگارانه، انسان‌انگارانه و خیال‌پردازانه از خدا و صفات او به تصوری با ویژگی‌های فوق‌انسانی و فوق‌طبیعی و تا حدودی غیرمادی‌انگارانه تبدیل می‌شود؛

۴. نوجوانی (۱۱ و ۱۲ تا ۱۷ و ۱۸ سالگی): تکوین اولیه هویت ایمانی، در این مرحله نوجوان با پرسش‌هایی از جنس ایمان درگیر می‌شود و پرسش‌های اساسی را مطرح، و شواهد را بررسی می‌کند و به هویت ایمانی دست می‌یابد؛

۵. آغاز جوانی (۱۷ و ۱۸ تا ۲۲ سالگی): ایمان استدلالی - خودمختارانه و باثبات نسبی، در این مرحله ایمان اولیه که در دوره نوجوانی تکوین یافته است، مورد بازسازی قرار می‌گیرد. در پایان این مرحله، فرد مجهز به امکانات شناختی، عاطفی و هیجانی لازم برای شناخت خدا و دستیابی به جهان‌بینی الهی، تجربه احساس ایمان و عمل بر اساس انگیزه درونی می‌شود.

با وجود اهمیتی که مطالعه نوذری از آن برخوردار است، این کار، یک بررسی صرفاً نظری است که لازم است به صورت تجربی مورد آزمون قرار گیرد تا بتواند مبنای پژوهش‌های تربیتی بعدی قرار گیرد. از این‌رو، در این پژوهش تلاش می‌شود با مینا قرار دادن تقسیم‌بندی نوذری (۱۳۸۹)، مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان (گستره سنی ۷ تا ۱۷ سالگی) به صورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد.

## روش پژوهش

با توجه به ماهیت تحولی این پژوهش، گردآوری داده‌ها بر اساس روش بالینی و بکارگیری مصاحبه

نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد. به منظور سامان‌دهی و تدوین مصاحبه، ابتدا با توجه به تعریف علامه طباطبائی (۱۳۶۴) از ایمان سه مؤلفه (شناخت ایمانی، عاطفه ایمانی، و التزام ایمانی) به عنوان مؤلفه‌های ایمان مشخص گردید. سپس بر پایه مطالعات نودری (۱۳۸۹)، زیرمؤلفه‌های هر یک از این مؤلفه‌ها، تعیین شد. آن‌گاه پرسش‌های به کار رفته در مطالعات فالور (۱۹۸۱) و پلان<sup>۱</sup> و بوکاسینی<sup>۲</sup> (۱۹۹۷، ص ۳۷۵-۳۸۷) (پرسش‌نامه قدرت ایمان مذهبی سانتا کلارا<sup>۳</sup>) و برخی پرسش‌نامه‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفت و بر پایه سه بعد مذکور، پرسش‌های مصاحبه طراحی گردید. در نهایت، پرسش‌ها توسط چند متخصص در حوزه روان‌شناسی، علوم تربیتی، روان‌سنجی و علوم دینی ارزیابی و اصلاحات لازم انجام شد. تعداد کل پرسش‌های طراحی شده ۲۰ پرسش (شامل ۸ پرسش مربوط به شناخت ایمانی، ۶ پرسش مربوط به عاطفه ایمانی، و ۶ پرسش درباره التزام ایمانی) بود. بدین ترتیب، مشخص شد این پژوهش بر پایه سه مؤلفه شناخت ایمانی، عاطفه ایمانی، و التزام ایمانی به عنوان مؤلفه‌های ایمان انجام شود.

اما پس از اجرای مصاحبه‌ها، استخراج داده‌ها و بر پایه نظر و نمره‌گذاری داوران بر اساس دقت در محتوا و سؤال‌های شناخت ایمانی مشخص شد که پاسخ‌های این مؤلفه به گونه‌ای ارائه شده است که می‌توان دو مفهوم مجزا و متفاوت ماهوی شناخت خدا و شناخت نظام معنایی مرتبط با خدا را استخراج کرد. به منظور اطمینان نسبت به این استنباط پس از نمره‌گذاری مجدد توسط داوران و تعیین چهار مؤلفه ایمان از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. بدین ترتیب، چهار اندازه به دست آمده برای مؤلفه‌های چهارگانه ایمان به خدا بر پایه روابط خطی با صفت مکنون ایمان به خدا در مدل تأییدی اجرا و مشخص شد که تبیین ایمان به خدا بر اساس چهار مؤلفه شناخت خدا، شناخت نظام معنایی، عاطفه ایمانی، و التزام ایمانی از ساختار مفهومی و اندازه‌گیری دقیق‌تر و روشن‌تری برخوردار می‌باشد.

در مرحله بعد، برای تدوین یک ساختار کمی جهت ارزیابی گروه نمونه در فرایند تحول ایمان، بر پایه متون دینی و یافته‌های پژوهشی به ویژه بر اساس مطالعه نودری (۱۳۸۹)، برای هر یک از مؤلفه‌ها، مراحل تعیین گردید. زیرمؤلفه‌ها و مراحل هر یک از مؤلفه‌های ایمان به خدا، در جدول ۱ آمده است.



جدول ۱. زیرمؤلفه‌ها و مراحل هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه ایمان به خدا

شناخت خداوند		شناخت نظام معنایی		عاطفه ایمانی		التزام ایمانی	
زیرمؤلفه‌ها	مراحل	زیرمؤلفه‌ها	مراحل	زیرمؤلفه‌ها	مراحل	زیرمؤلفه‌ها	مراحل
۱. آگاهی از چگونگی وجود خدا	۱. بیان حسی و مادی از خداوند (انسان‌نگاری)	۱. آگاهی از نقش خدا در زندگی انسان	۱. احساس عاطفی از خدا (مهربان بودن، ترسناک بودن، ...)	۱. احساس عاطفی از خدا (مهربان بودن، ترسناک بودن، ...)	۱. آگاهی از تعریف ایمان بدون دلیل	۱. آگاهی از تعریف ایمان	۱. اظهار التزام ایمانی
۲. آگاهی از علم خدا	۲. خداوند به عنوان موجودی فوق انسانی	۲. آگاهی از آموخته شده	۲. درد دل کردن با خدا	۲. درد دل کردن با خدا	۲. التزام ایمانی در عوض نعمت‌های خداوند	۳. آمادگی برای دفاع از ایمان	۲. التزام ایمانی در
۳. آگاهی از قدرت خدا	۳. خداوند به عنوان موجودی فوق طبیعی، در عین آمیختگی با عناصر عینی	۳. تبیین‌های انتزاعی سطح اول	۳. داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا	۳. داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا	۴. عمق تعهد ایمان به خدا	۴. عمق تعهد ایمان به خدا	۳. التزام ایمانی از روی عقل
۴. آگاهی از حضور خدا در همه‌جا	۴. تبیین‌های انتزاعی کامل از خداوند و صفات او	۴. تبیین‌های کاملاً انتزاعی	۴. داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا	۴. داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا	۵. گذشتن از برخی خواسته‌ها به خاطر ایمان	۵. گذشتن از برخی خواسته‌ها به خاطر ایمان	۴. التزام ایمانی از روی عشق
			– صحبت کردن و درد دل با خدا	– صحبت کردن و درد دل با خدا	۶. تصمیم بر زیستن مؤمنانه	۶. تصمیم بر زیستن مؤمنانه	
			– احساس نزدیکی و دوست بودن با خدا	– احساس نزدیکی و دوست بودن با خدا			
			– احساس رضایت از خدا	– احساس رضایت از خدا			
			– احساس شرمندگی و گناه	– احساس شرمندگی و گناه			

مصاحبه‌ها انفرادی اجرا و صداها ضبط می‌شد. هر مصاحبه چهل و پنج دقیقه الی یک ساعت طول می‌کشید. پس از پیاده شدن نوارهای صوتی مصاحبه‌ها، پژوهشگر و چهار متخصص روان‌شناسی و آشنا به مفاهیم دینی (در سطح دکتری و دانشجوی دکتری) به گونه‌ای مستقل متن را تحلیل و بر اساس یک مقیاس امتیازی درجه‌بندی کردند. مراحل مطرح شده برای هر مؤلفه و زیرمؤلفه‌های آن، نمونه‌ها و مصادیق آنها در دوره‌های سنی مختلف ارائه شد. بدین ترتیب، افزون بر گردآوری شواهدی برای مستندسازی، درک جامع‌تری نیز از زیرمؤلفه‌ها و شواهد مربوط به روایی نمره‌گذاری و طبقه‌بندی‌ها به دست آمد.

**اعتباریابی نمره‌گذاری مصاحبه:** بعد از پیاده شدن متن مصاحبه‌ها، نمره‌گذاری پاسخ‌ها بر اساس راهنمای نمره‌گذاری توسط پژوهشگر و چهار متخصص به گونه مستقل انجام شد. سپس نمره‌های هر پنج نفر با یکدیگر جمع و نمره کل هر مؤلفه به دست آمد و مبنای محاسبات و تحلیل‌های آماری قرار گرفت.

به منظور اطمینان نسبت به اعتبار نمره‌گذاران، از روش همبستگی درون‌طبقه‌ای<sup>۱</sup> (ICC) استفاده شد. این روش برای بررسی اعتبار بین دو یا چند درجه‌بندی‌کننده در مواقعی به کار می‌رود که مقیاس نمره‌گذاری فاصله‌ای یا طبقه‌ای مرتب شده باشد. افزون‌براین، همبستگی درون‌طبقه‌ای به عنوان نسبت واریانس بین گروه‌ها به واریانس کل در نظر گرفته می‌شود (شروت<sup>۲</sup> و فلایس<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹). اگر بین آزمودنی‌ها واریانس وجود نداشته باشد (یعنی درجه‌بندی‌کنندگان نمره یکسانی به هر آزمودنی داده باشند)، ضریب برابر با یک خواهد بود و نشان می‌دهد که اعتبار بین درجه‌بندی‌کنندگان کامل است. نتایج محاسبات مربوط به همبستگی درون‌طبقه‌ای مؤلفه‌های چهارگانه در جدول ۲ نشان داده شده است.

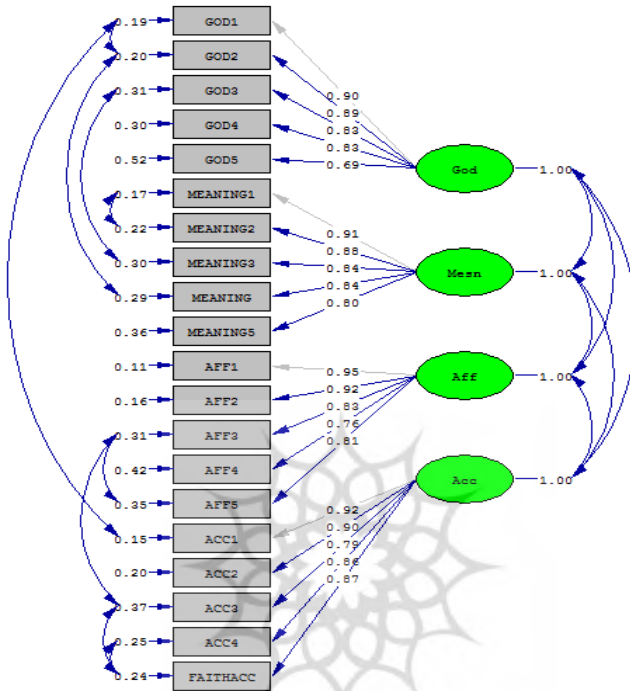
جدول ۲. ضرایب همبستگی بین طبقه‌ای برای مؤلفه‌های ایمان به خدا

P	حد پایین	حد بالا	ضریب اعتبار اندازه متوسط	ضریب اعتبار اندازه واحد	مؤلفه‌های ایمان به خدا
۰/۰۱	۰/۶۵	۰/۵۳	۰/۸۹	۰/۵۹	شناخت خداوند
۰/۰۱	۰/۶۹	۰/۵۸	۰/۹۰	۰/۶۴	شناخت نظام معنایی
۰/۰۱	۰/۷۱	۰/۵۹	۰/۹۰	۰/۶۵	عاطفه ایمانی
۰/۰۱	۰/۷۳	۰/۶۲	۰/۹۱	۰/۶۸	التزام ایمانی

چنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، برای هر مؤلفه دو ضریب اعتبار برآورده شده است. ضریب اعتبار اندازه واحد بیانگر اعتبار درجه‌بندی یک داور واحد است. در این ضریب، واحد تحلیل نمره‌های انفرادی (و نه میانگین نمره‌ها) است. برای مثال، ضریب اندازه واحد، برای مؤلفه عاطفه ایمانی، که مقدار آن از سایر مؤلفه‌ها بیشتر است، برابر با  $0/۶۷$  به دست آمده است که نشان می‌دهد سطح نسبتاً بالایی از همگونی نمره‌ها در یک درجه‌بندی کننده وجود دارد. مقدار این ضریب برای شناخت خداوند برابر با  $0/۵۹$  و برای دو مؤلفه مفهوم و انگیزه دعا بیش از  $0/۶۰$  و از لحاظ آماری در سطح کمتر از  $0/۰۱$  معنادار است که به گونه کلی نشان می‌دهد همگونی بین نمره‌ها در یک داور یا درجه‌بندی کننده نسبتاً مطلوب است.

در ضریب اعتبار اندازه‌های متوسط، که در واقع نزدیک به ضریب آلفای کرونباخ است، واحد تحلیل میانگین همه درجه‌ها یا نمره‌هاست. این ضریب بیانگر اعتبار میانگین درجه‌بندی یا نمره‌هایی است که همه درجه‌بندی کنندگان داده‌اند. مقدار این ضریب برای مؤلفه التزام ایمانی برابر با  $0/۹۱$  و برای سایر مؤلفه بیشتر از  $0/۸۹$  و از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد بین پنج داور این پژوهش، سطح بسیار بالایی از همگونی درونی وجود دارد.

**رواسازی نمره‌گذاری مصاحبه:** به منظور اطمینان نسبت به ساختار عاملی مدل تحول ایمان و در واقع نسبت به اینکه از روایی کافی برخوردار است از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای این منظور، نمره‌هایی که متخصصان برای هر یک از مؤلفه‌ها برای آزمودنی‌ها اختصاص دادند به عنوان نشانگر مؤلفه مورد اندازه‌گیری استفاده شد. چون فرض بر این است که پرسش‌های مربوط به هر مؤلفه بر اساس تعریف مبانی نظری مربوط به آن طراحی شده و هر داور به گونه مستقل آزمودنی‌ها را درجه‌بندی کرده‌اند، منطقی است که مدل مفهومی مربوط به این پژوهش، دارای چهار متغیر برونزا (شناخت خدا، شناخت نظام معنایی، عاطفه ایمانی و التزام ایمانی) و ۲۰ نشانگر (نمره‌های پنج داور در چهار مؤلفه) داشته باشد. نمودار مسیر و ضرایب استاندارد مربوط به نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای رواسازی ابزار پژوهش، در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. نمودار مسیر و ضرایب استاندارد شده مدل تحلیل تأییدی مؤلفه‌های ایمان

چنانکه در شکل ۱ مشاهده می‌شود، همه ضرایب مسیر برای مؤلفه‌های ایمان از لحاظ آماری معنادار است. شاخص‌های برازندگی مدل با داده‌های مشاهده شده از طریق ۶ معیار: ۱. مجذور کای<sup>۱</sup>؛ ۲. نسبت مجذور کای به درجه آزادی؛ ۳. شاخص خوبی برازندگی؛ ۴. شاخص خوبی برازندگی تعدیل یافته؛ ۵. شاخص برازندگی تطبیقی؛ ۶. ریشه دوم واریانس خطای تقریب<sup>۵</sup> ارزیابی شده است. با آنکه مجذور کای (۳۰۲/۱۲) از لحاظ آماری معنادار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی (df=۱۵۴) نیز برابر با ۱/۹۶ و مطابق با ملاک‌های پیشنهادی باینر<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) و بنتلر<sup>۷</sup> (۱۹۹۳) است که مقدار مناسب را کمتر از ۲ می‌دانند. شاخص‌های GFI و CFI نیز بسیار قابل ملاحظه و به ترتیب برابر با ۰/۹۰ و ۰/۹۳ و نشان‌دهنده برازش مناسب داده‌هاست. ریشه دوم واریانس خطای تقریب نیز برابر با (۰/۰۵۱) و حد بالای آن بسیار کمتر از ۰/۰۵ است و می‌توان نتیجه گرفت درجه تقریب مدل در جامعه بزرگ نیست (بروان<sup>۸</sup> و کادک<sup>۹</sup>، ۱۹۹۳). شاخص روایی متقاطع مورد انتظار<sup>۱۰</sup> برابر با ۲/۱۳ و

1. Chi-Square. 2. Goodness of Fit Index (GFI). 3. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)  
 4. Comparative of Fit Index (CFI) 5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)  
 6. Byrne, B. M. 7. Bentler, P. M. 8. Browne, M. W. 9. Cudeck, R.  
 10. Excerpted Cross-Validation Index (ECVI).

کمتر از مقدار این شاخص برای مدل اشباع شده<sup>۱</sup> (۲/۲۳) و مطابق با ملاکی است که جورسکاگ<sup>۲</sup> و سوربون<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) ارائه کرده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش از روایی عاملی مناسبی برخوردار است و می‌توان به نتایج حاصل از آن اطمینان داشت.

### یافته‌های پژوهش

در این مرحله از پژوهش، مفهوم کلی ایمان به خدا مورد تحلیل قرار گرفت. برای این منظور، نخست میانگین مجموع نمره‌های مؤلفه‌های چهارگانه مورد مطالعه محاسبه و سپس مشخصه‌های آمار توصیفی آنها به عنوان متغیر ایمان به خدا به تفکیک هر سن برآورد و سرانجام، آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت گروه‌های سنی و آزمون مقابله شفه برای مقایسه زوجی میانگین گروه‌ها اجرا شد. این یافته‌ها در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه نمره‌های مؤلفه ایمان به خدا برای همه گروه‌های سنی

سن	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	شفه
۷	۲۰	۱/۲۲	۰/۱۶	۱	۱/۶۰	۱۷ تا ۹ >
۸	۱۸	۱/۵۴	۰/۲۲	۱	۲	۱۷ تا ۱۰ >
۹	۱۹	۱/۶۷	۰/۲۲	۱/۳۰	۲/۳۰	۱۷-۱۱ > ۷ <
۱۰	۱۸	۲/۰۱	۰/۱۷	۱/۷۵	۲/۳۰	۱۷ تا ۱۲ > ۸ تا ۷ <
۱۱	۲۰	۲/۲۰	۰/۲۰	۱/۷۵	۲/۶۰	۱۷ تا ۱۴ > ۹ تا ۷ <
۱۲	۱۷	۲/۴۲	۰/۳۲	۱/۶۵	۲/۹۰	۱۷ تا ۱۴ > ۱۰ تا ۷ <
۱۳	۱۷	۲/۵۴	۰/۲۴	۲/۸۵	۲/۸۵	۱۷ تا ۱۴ > ۱۰ تا ۷ <
۱۴	۱۸	۲/۹۸	۰/۲۹	۲/۵۰	۳/۶۵	۱۳ تا ۷ >
۱۵	۱۷	۳/۱۲	۰/۲۴	۲/۶۰	۳/۴۵	۱۳ تا ۷ <
۱۶	۱۷	۳/۱۳	۰/۳۰	۲/۶۵	۳/۶۰	۱۳ تا ۷ <
۱۷	۱۷	۳/۱۷	۰/۲۴	۲/۷۵	۳/۷۰	۱۳ تا ۷ <

$$P < ۰/۰۰۱, F(۱۸۷, ۱۰) = ۱۴۶/۷۹۸$$

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ها با افزایش سن گروه نمونه بیشتر می‌شود. نکته نمره کل ایمان به خدا روندی کاملاً افزایشی دارد یعنی میانگین هر گروه سنی از میانگین گروه سنی قبل، بیشتر و از میانگین گروه سنی بعد از خود کمتر است. بدین ترتیب، بیشترین میانگین‌ها متعلق به گروه‌های سنی ۱۷ با میانگین ۳/۱۷ (با انحراف استاندارد ۰/۲۴) و کمترین میانگین (۱/۲۲) متعلق به گروه سنی ۷ سال با انحراف استاندارد ۰/۱۶ است.

کمترین و بیشترین نمره‌ها در سازه ایمان به خدا در بین گروه‌های سنی از الگوی یکنواخت افزایشی پیروی نمی‌کند. برای نمونه، در گروه سنی ۱۲ و ۱۳ سال حداقل نمره به ترتیب برابر با ۱/۶۵ و ۲/۱۵ است در حالی که، این شاخص در گروه‌های سنی ۱۵ و ۱۶ سال به ترتیب برابر با ۲/۶۰ و ۲/۶۵ است.

افزون براین، نتایج تحلیل واریانس ( $F(187, 10) = 146/798$ ،  $P < 0/001$ ) نشان می‌دهد که بین گروه‌های سنی از لحاظ سازه ایمان به خدا تفاوت معنادار وجود دارد. ستون آخر جدول که تحت عنوان آزمون شفه مشخص شده است، مقایسه زوجی میانگین گروه‌ها را نشان می‌دهد. بر پایه نتایج حاصل از این آزمون می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

- میانگین گروه سنی ۷ سال تفاوت معناداری با میانگین نمرات ۸ سال ندارد. در عین حال، میانگین گروه سنی ۷ سال، به گونه معناداری کمتر از گروه‌های سنی ۹ تا ۱۷ سال است. بدین ترتیب، ۸ سالگی را می‌توان دوره گذار به مرحله بعد در نظر گرفت.

- میانگین گروه سنی ۸ سال تفاوت معناداری با میانگین نمرات گروه‌های سنی ۹ سال ندارد، اما به گونه معناداری کمتر از میانگین گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۷ سال است.

- میانگین ایمان به خدا در آزمودنی‌های ۹ ساله از آزمودنی‌های ۱۱ تا ۱۷ سال کمتر و از آزمودنی‌های ۷ سال بیشتر است.

- آزمودنی‌های گروه سنی ۱۰ سال دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۷ تا ۸ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۱۲ تا ۱۷ سال هستند.

- آزمودنی‌های گروه سنی ۱۱ سال دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۷ تا ۹ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۱۴ تا ۱۷ سال هستند.

- آزمودنی‌های گروه سنی ۱۲ سال دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به آزمودنی‌های ۷ تا ۱۰ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه‌های ۱۴ تا ۱۷ سال هستند. این وضعیت درباره آزمودنی‌های گروه سنی ۱۳ سال نیز صادق است.

- میانگین نمرات گروه‌های سنی ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ تفاوت معناداری با هم ندارند، و نیز دارای میانگین بیشتر و بالاتر نسبت به آزمودنی‌های ۷ تا ۱۳ سال هستند.

**تعیین مراحل تحول ایمان به خدا بر اساس میانگین نمره‌ها:** با توجه به اینکه پرسش اصلی پژوهش ناظر بر تعیین مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان است، لازم است تا با محاسبه مجموع مؤلفه‌ها و طبقه‌بندی نمره‌های حاصل از درجه‌بندی‌های داوران، مراحل تحول ایمان

به خدا، به گونه‌ای مستقل تعیین شود. بدین منظور، با جمع نمره‌های هر یک از آزمودنی‌ها و قرار دادن آنها در دامنه متوسط طبقه‌بندی‌های مربوط به مؤلفه‌ها، تحلیل آماری مناسب انجام شد. میانگین، انحراف استاندارد، بیشینه و کمینه نمره‌های مربوط به طبقه‌بندی چهارگانه سنی به همراه آزمون تحلیل واریانس و مقابله‌های زوجی شفه در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه نمره‌های ایمان به خدا برای گروه‌های سنی چهارگانه

گروه	دامنه سنی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	شفه
۱	۸-۷	۳۸	۱/۳۷	-/۳۵	۱	۲	۴,۳,۳>
۲	۱۱-۹	۵۷	۱/۹۶	-/۳۹	۱/۳۰	۲/۶۰	۴>, ۱<
۳	۱۳-۱۲	۳۴	۲/۴۸	-/۳۸	۱/۶۵	۲/۹۰	۴>, ۱<
۴	۱۷-۱۴	۶۹	۳/۱۰	-/۳۸	۲/۵۰	۳/۷۰	۳, ۲, ۱<

$$P < .001, F(194,3) = 351/512$$

با توجه به یافته‌های جدول ۴، نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌های چهار طبقه سنی در ایمان به خدا از لحاظ آماری معنادار است ( $F(194,3) = 351/512, P < .001$ ). روند افزایش میانگین‌ها در گروه‌های سنی نشان می‌دهد که با افزایش سن، ایمان به خدا در آزمودنی‌ها افزایش می‌یابد. افزون‌براین، مقادیر انحراف استاندارد نشان می‌دهد که همگونی آزمودنی‌ها در گروه‌های سنی مختلف تقریباً یکسان است. با وجود این، بیشترین انحراف استاندارد ( $0/29$ ) متعلق به گروه سنی ۱۱-۹ سال و کمترین مقدار ( $0/25$ ) متعلق به گروه سنی ۸-۷ سال است.

مقادیر کمینه و بیشینه نمره‌ها در گروه‌های سنی چهارگانه بیانگر آن است که فرایند افزایش نمره‌ها از الگوی پیش رونده پیروی می‌کند. به بیان دیگر، کمینه و بیشینه نمره گروه‌های سنی پایین‌تر، کمتر از گروه‌های سنی بالاتر است.

بدین ترتیب، بر پایه همگونی میانگین‌ها در سنین مختلف و نیز اختلاف میانگین برخی گروه‌های سنی، به گونه کلی کودکان و نوجوانان مورد مطالعه را می‌توان از لحاظ تحول ایمان به خدا به چهار گروه سنی: ۸-۷، ۹-۱۱، ۱۲-۱۳، و ۱۴-۱۷ سال تقسیم‌بندی کرد.

**تعیین مراحل ایمان به خدا بر اساس فراوانی نمره‌ها:** به منظور تعیین مراحل تحول ایمان به خدا بر اساس فراوانی و درصد پاسخ‌ها، نخست با توجه به توزیع و دامنه نمره‌های کل مشخص شد که مراحل ایمان به خدا را می‌توان به چهار مرحله مشخص تقسیم کرد. نتایج این طبقه‌بندی بر اساس دامنه مشاهده‌شده رتبه‌بندی داوران، در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. فراوانی و درصد نمره‌های ایمان به خدا بر اساس درجه‌بندی داوران

نمره	دامنه	تعداد	درصد
۱	۱-۱/۵	۲۷	۱۳/۶
۲	۲-۱/۵	۴۳	۲۱/۷
۳	۳-۲	۸۶	۴۳/۵
۴	۴-۳	۴۲	۲۱/۲

با توجه به جدول ۵، بیشترین درصد پاسخ‌ها (۴۳/۵) متعلق به نمره ۳ (ایمان انتزاعی سطح اول) است. پس از این طبقه، بیشترین درصد پاسخ‌ها با ۲۱/۷ درصد به نمره ۲ تعلق دارد (ایمان مفهومی آموخته‌شده). به فاصله بسیار کمی پس از آن، نمره ۴ (ایمان انتزاعی کامل) با ۲۱/۲ درصد قرار دارد. کمترین درصد پاسخ‌ها (۱۳/۶) نیز متعلق به نمره ۱ (ایمان حسی و مادی) است. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که برای هر چهار طبقه نمره‌گذاری شده، فراوانی وجود دارد و می‌توان آنها را بیانگر چهار مرحله مجزا در تحول ایمان به خدا دانست. برای بررسی این مطلب که توزیع فراوانی پاسخ‌ها برای طبقه‌های چهارگانه به تفکیک گروه‌های سنی تعیین شده چگونه است، و به بیان دیگر، آزمودنی‌های کدام گروه سنی دارای بیشترین فراوانی در طبقه‌های چهارگانه هستند، توزیع نمره‌ها به تفکیک گروه‌های سنی محاسبه و در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. فراوانی و درصد نمره‌های ایمان به خدا به تفکیک گروه‌های چهارگانه سنی

گروه سنی	۱/۵-۱		۲-۱/۵		۳-۲		۴-۳	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۸-۷	۲۵	۶۵/۸	۱۳	۳۴/۲	-	-	-	-
۱۱-۹	۲	۳/۵	۲۸	۴۹/۱	۲۷	۴۷/۴	-	-
۱۳-۱۲	-	-	۲	۵/۹	۳۲	۹۴/۱	-	-
۱۷-۱۴	-	-	-	-	۲۷	۳۹/۱	۴۲	۶۰/۹
کل	۲۷	۱۳/۶	۴۳	۲۱/۷	۸۶	۴۳/۴	۴۲	۲۱/۲

بر اساس نتایج جدول ۶ می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

دامنه سنی اول (۷-۸ سال): شامل ۳۸ نفر (۱۹/۲ درصد) از کل آزمودنی‌ها می‌شود. از سوی دیگر، در حدود ۶۶ درصد آزمودنی‌های این دامنه سنی، در طبقه اول (ایمان حسی و مادی) قرار دارند و بقیه که بیش از ۳۴ درصد آزمودنی‌ها را شامل می‌شود در طبقه دوم (ایمان مفهومی آموخته‌شده) قرار گرفته‌اند. هیچ‌کدام از آزمودنی‌های این دامنه سنی در طبقه‌های سوم و چهارم قرار ندارند.

دامنه سنی دوم (۹-۱۱ سال): شامل ۵۷ نفر (۲۸/۸ درصد) از کل آزمودنی می‌باشد. بیش از ۹۶ درصد این گروه سنی در دو طبقه دوم (ایمان مفهومی آموخته‌شده) و سوم (ایمان انتزاعی سطح اول)



قرار دارند و فقط ۳/۵ درصد از آزمودنی‌ها در طبقه اول (ایمان حسی و مادی) قرار گرفته‌اند. هیچ‌یک از آزمودنی‌های این دامنه سنی در طبقه چهارم (ایمان انتزاعی کامل) قرار ندارند.

دامنه سنی سوم (۱۲-۱۳ سال): شامل ۳۴ نفر (۱۷/۲ درصد) آزمودنی‌ها می‌شود. از این گروه بیش از ۹۴ درصد در طبقه سوم (ایمان انتزاعی سطح اول) قرار دارند و فقط ۵/۹ درصد در طبقه دوم (ایمان مفهومی آموخته‌شده) قرار گرفته‌اند.

دامنه سنی چهارم (۱۴-۱۷ سال): شامل ۶۹ نفر (۳۴/۸ درصد) از کل آزمودنی‌ها می‌باشد که هیچ‌یک در طبقه‌های اول و دوم قرار ندارند. بیش از ۳۹ درصد افراد این گروه سنی در طبقه سوم (ایمان انتزاعی سطح اول) و نزدیک به ۶۱ درصد در طبقه چهارم (ایمان انتزاعی کامل) قرار دارند. بدین ترتیب، اکثریت بالایی از این دامنه سنی در طبقه چهارم درجه‌بندی می‌شوند.

**تبیین و تفسیر مراحل ایمان به خدا:** نتایج چندین بار اجرای تحلیل واریانس و نیز محاسبه زیرمجموعه‌های همگون میانگین‌های نمره کل نشان داد که برای تحول ایمان به خدا بر پایه دامنه سنی گروه نمونه، در بهترین شرایط می‌توان چهار مرحله متمایز ۷ تا ۸ سال، ۹ تا ۱۱ سال، ۱۲ تا ۱۳ سال و سرانجام ۱۴ تا ۱۷ سال را تعیین کرد، به این ترتیب که بر اساس این تقسیم‌بندی میانگین نمره سنین داخل هر گروه با یکدیگر برابر و میانگین هر گروه سنی با سایر گروه‌ها تفاوت آماری معنادار داشت. به بیان دیگر، میانگین هر طبقه سنی از میانگین طبقه‌های سنی پس از خود کمتر و از طبقه‌های پیش از خود به گونه معناداری بزرگتر به دست آمد. این روند افزایشی میانگین‌ها در گروه‌های سنی به گونه کلی بیانگر آن است که با افزایش سن، ایمان به خدا نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در حدود ۶۶ درصد آزمودنی‌های ۷ و ۸ سال در مرحله اول و بقیه در مرحله دوم ایمان به خدا قرار گرفتند. از سوی دیگر، تنها ۳/۵ درصد از آزمودنی‌های ۹-۱۱ سال در مرحله اول ایمان به خدا قرار گرفتند. بدین ترتیب، می‌توان گفت مرحله اول ایمان به خدا، عمدتاً به گروه سنی ۷-۸ سال اختصاص دارد. بررسی محتوای پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ایمان به خدا در کودکانی که در این مرحله قرار دارند متناظر با درک حسی و عینی از مفاهیم دینی است.

مطالعات برخی از صاحب‌نظران نیز این مطلب را مورد تأیید قرار می‌دهد. برای نمونه، در مدل گلدمن (۱۹۶۴، ص ۵۲) که دوره سنی ۷ و ۸ سالگی را مرحله تفکر پیش‌مذهبی می‌نامد، الگوی تفکر مبتنی بر ادراک شهودی است. از ویژگی‌های این مرحله آن است که در نظر کودک، خداوند شکلی کاملاً انسانی دارد، در آسمان زندگی می‌کند، در اینجا هم هست، مرد است، زندگی انسانی دارد، غذا

می‌خورد، گاهی پایین می‌آید و دیده می‌شود. با آنکه کودکی که پیش از این مرحله قرار دارد تصویری از خدا با ویژگی‌های مادی‌انگارانه، انسان‌انگارانه و خیال‌پردازانه که متأثر از اندیشه‌ها و نمادهای دینی و فرهنگی محل پرورش اوست ارائه می‌کند، در این مرحله (۷ تا ۸ سالگی) نیز چنین تصویری از خدا و صفات او با تمایز یافتگی اندکی نشان می‌دهد.

همچنین، در این مرحله ایمان به خدا، سطح تحول‌یافتگی شناختی کودک و در نتیجه، میزان آگاهی کودک از ارتباط خدا با خود و جهان مادی در حدی نیست که بتواند شیوه زندگی ایمانی و غیرایمانی را با هم مقایسه کند و از بین آنها دست به انتخاب بزند. به طور طبیعی ایمان در این وضعیت نمی‌تواند اعتقادات، اخلاق یا اعمال خاصی را بر فرد الزام کند.

بدین ترتیب، هر چند کودک در این دروه سنی تلاش می‌کند که خود را از محدودیت‌های مرحله قبل برهاند با این حال، توفیق کمی نصیب او می‌شود. انتزاعی بودن مفاهیم، محدودیت‌های کودک در بکارگیری زبان و نیز کمی تجربه وی، گذار کودک از مرحله قبل را با چالش مواجه می‌سازد (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۸۷). با توجه به این مطالب، این مرحله از تحول ایمان به خدا را می‌توان مرحله «ایمان حسی نامتمایز» نام نهاد.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، در مرحله دوم ایمان به خدا، نزدیک به ۵۰ درصد از آزمودنی‌های ۹ تا ۱۱ ساله در این مرحله قرار دارند. درحالی که بیش از ۳۴ درصد از آزمودنی‌های ۷-۸ ساله و نزدیک به ۶ درصد از آزمودنی‌های ۱۲ تا ۱۳ ساله نیز در این مرحله ایمان به خدا قرار گرفته‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد این مرحله از لحاظ ایمان به خدا و سایر مفاهیم دینی از گستره بیشتری برخوردار است.

بررسی محتوای پاسخ‌ها در این گروه سنی و پاسخ‌های مشابهی که برخی کودکان در گروه‌های سنی پایین‌تر و بالاتر که میانگین آنها در این مرحله قرار می‌گیرد نشان می‌دهد که افراد در این مرحله، به مفاهیم و آموزه‌های دینی توجه می‌کنند. از این رو، آموزش و یادگیری نقش مهمی در آن ایفا می‌کند. نظیر پاسخ یک پسر ده ساله «چند بار از مامانم پرسیدم خدا چه جوریه، مامانم گفته یه روحه یعنی جسم نداره صدا هم نداره ... ما باید کارهای خوب بکنیم تا خدا ما رو دوست داشته باشه چیزهای بیشتری بهمون بده. آخرش هم که از این دنیا بریم می‌ریم بهشت انشاءالله». یا سخن یک دختر ده ساله «خدا گفته برای حرف زدن باهاش نماز بخونیم، کارهای خوب بکنیم، کارهای بد نکنیم مثلاً دروغ نگیم ... ایمان به خدا باعث می‌شه که من نماز اول وقت بخونم، بعد از نماز قرآن بخونم، با ادب باشم، به افراد سالمند کمک کنم، به پدر و مادرم و آدم‌های دیگه نیکی کنم. خدا برای ما پدر و

مادر آفریده، وقتی که دعا کنیم نماز بخونیم یک خواهش ازش بکنیم برامون انجام می‌ده».

این مرحله از ایمان، عمدتاً با مرحله سوم از مراحل تفکر مذهبی در دیدگاه گلدمن (مرحله تفکر مذهبی ناقص دوم) تطابق دارد. گلدمن، معتقد است که استقرار منطق عملیات عینی به طور کامل در این مرحله اتفاق می‌افتد، این مرحله آغاز ساخته شدن دیدگاه الهی درباره جهان در کنار دیدگاه علمی درباره جهان مادی است (دیدگاه الهی دیدگاهی است که جهان را بر اساس تفسیر ادیان بنا می‌نهد و دیدگاه علمی دیدگاهی است درباره جهان مادی که فرد آن را بر اساس روابط علی و معلولی مادی بنا می‌نهد) (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۸۹). نکته درخور توجه در این دوره این است که گرچه کودکان با بسیاری از موضوعات در معارف دینی و داستان‌های آن درگیرند اما درباره آنها به طور ساده و برحسب رضایت خویش که اغلب خودمحورانه است قضاوت می‌کنند و مبنای قضاوت آنها با عنایت به تجارب شخصی صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، این مرحله و ویژگی‌های آن را می‌توان بر اساس نظریه الکایند درباره مراحل تحول دینی نیز تبیین کرد (الکایند، ۱۹۷۰، ص ۳۵-۴۲). الکایند نظریه مرحله‌ای خود در باب تحول دینی را، بر حسب تغییر در تحول عمومی روان‌شناختی ارائه داده است. نکته اساسی در این دیدگاه این است که نیازهای شناختی کودک که به وسیله دین ارضا می‌شود، با افزایش سن تغییر می‌کند. این نیازها در طول مراحل پیچیده افزایش می‌یابد. مرحله سوم الکایند (جست‌وجوی رابطه‌ها)<sup>۱</sup> اواسط کودکی آغاز می‌شود و مثل دو مرحله پیش (جست‌وجو برای نگهداری، جست‌وجو برای نمادسازی)، در سراسر زندگی ادامه پیدا می‌کند. طبق نظریه پیاژه، در این مرحله کودک شروع می‌کند تا قواعد منطقی را در شناخت روابط بین اشیا و حوادث در محیط اطرافش به کار گیرد و همچنین به طریق مشابه می‌کوشد تا روابط خودش را با مردم، دنیای اجتماعی و اصول موجود شناسایی کند و خویش را با آن سازگار سازد.

الکایند، در کاربردی کردن این ایده برای دین می‌گوید: کودکی که در دو مرحله پیش با مفهوم خدا و نمادهای مربوط به او آشنا شده، می‌کوشد رابطه خود را با خدا بشناسد و با او ارتباط برقرار کند (الکایند، ۱۹۷۰، ص ۴۰). از این رو، پس از آشنایی با مفهوم خدا و نمادسازی، پرسش از چگونگی ارتباط با او اجتناب‌ناپذیر می‌شود. این مطلب از طریق دعا و نیایش محقق می‌شود. فرد در خلال نیایش می‌تواند نقش خود را در برابر خدا و برعکس شناسایی کند و رابطه خویش را با وی آشکار سازد.

در مرحله دوم از ایمان، در دیدگاه جیمز فاولر که ایمان اسطوره‌ای<sup>۲</sup> - تحت‌اللفظی<sup>۲</sup> است، هر چند

شامل سن دبستان به طور کلی (از حدود ۷ سالگی تا حدود ۱۱ سالگی) را دربر می‌گیرد، با این حال، بیشتر درباره کودکان حدود ۹ سال به بالا صدق می‌کند و یکی دو سال پیش از آن را باید دوره آماده‌سازی برای تحقق این مرحله به حساب آورد (فاولر، ۱۹۸۱، ص ۱۲۵). در این مرحله، فرد به نحو فزاینده‌ای واقع‌گراتر می‌شود. هنوز به انسان‌پنداری تمایل دارد و درک او از نمادها و زبان دینی تحت‌اللفظی است. این درک، حالتی سطحی، عینی و کم‌عمق دارد. افزون‌براین، در این مرحله کودکان به درونی کردن داستان‌ها، اعتقادات و جنبه‌های مختلف مربوط به فرهنگ جامعه می‌پردازند. اعتقادات و قواعد اخلاقی در این مرحله کاملاً عینی و سطحی است و با گسترش و تصریح شکل‌گیری شخصیت کودک و نیز تأثیر ویژگی‌های شخصیتی دیگران همراه است.

از نظر ویژگی‌های شناختی، کودکان این گروه سنی هر چند به تفکر منطقی دست می‌یابند، اما این تفکر توانایی محدودی نسبت به گسترش منطقی به مفاهیم انتزاعی دارد. افزون بر این، دانش عمومی بیشتری را درونی‌سازی می‌کنند، به تدریج توانایی به کار بستن مفاهیم یادگرفته شده به تکالیف و وظایف جدید در آنها تحول می‌یابد و به فراگیری مهارت‌های جدید در زندگی علاقمند می‌شوند. به اعتقاد پیاژه، کودکان ۷ تا ۱۱ سال توانایی انجام اعمال منطقی را کسب می‌کنند، اما این اعمال را با امور محسوس و عینی انجام می‌دهند. وی دوره ۹ تا ۱۱ سالگی را از نظر تحول اخلاقی، مرحله اخلاق توافقی نامیده است؛ زیرا اندیشه کودکان از حالت قطعیت خارج و بیشتر نسبی‌گرا می‌شود (دادستان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴).

به اعتقاد برخی پژوهشگران، در این مرحله است که ارزش‌ها و استانداردهای رفتار مذهبی والدین در کودکان درونی‌سازی می‌شود. فرایند درونی‌سازی مفاهیم مذهبی ممکن است شبیه فرایند درونی‌سازی سایر مفاهیم مانند وجدان، خودنظم‌بخشی و سایر استانداردهای رفتاری باشد. یافته‌های یک پژوهش نشان می‌دهد که ارزش‌های مذهبی و اخلاقی با فرایند اجتماعی‌شدن بین والدین و کودکان ارتباط دارد و به تدریج از مذهب دگرنظم‌بخش به خودنظم‌بخش انتقال می‌یابد و تبدیل به مذهبی درونی‌سازی شده می‌شود (موسوی‌نسب، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹). بدین ترتیب، با توجه به مطالب فوق می‌توان این مرحله را مرحله «ایمان مفهومی آموخته‌شده» نامید.

در مرحله سوم ایمان به خدا، بر پایه یافته‌های این پژوهش، حدود ۹۴ درصد از آزمودنی‌های ۱۲ تا ۱۳ ساله قرار می‌گیرند. این در حالی است که بیش از ۴۷ درصد از آزمودنی‌های ۹ تا ۱۱ ساله و حدود ۳۹ درصد از آزمودنی‌های ۱۴ تا ۱۷ ساله نیز در این مرحله ایمان به خدا قرار گرفته‌اند. از این رو، به نظر

می‌رسد این مرحله از لحاظ ایمان به خدا از گستره زیادی برخوردار است. بدین ترتیب، مشخص است که بسیاری از افراد، در سنین پیش از ۱۲ سالگی به این مرحله از ایمان به خدا دست می‌یابند. در این مرحله هر چند می‌توان نشانه‌های سوق یافتن فرد به سوی تفکر انتزاعی را مشاهده کرد با این حال، او هنوز در دام عینیت گرفتار است و نمی‌تواند ایمان به خدا را با تفکری انتزاعی تحلیل نماید. به اعتقاد گلدمن، این دوره (۱۱-۱۳ سالگی) را می‌توان «دوره اول تفکر مذهبی شخصی» نام گذارد که در واقع دوره بینابینی بین استقرار عملیات عینی و استقرار عملیات انتزاعی است (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۸۹). در این مرحله نشانه‌هایی از تفکر انتزاعی دیده می‌شود اما همچنان آمیخته به عناصر عینی است و به نظر می‌رسد کودک در فهم موضوعات مذهبی توان کنار گذاشتن آن را ندارد. نمونه‌هایی مانند «خدا از همه امور خبر دارد. خدایی که توان دارد هر چیزی رو بیافرینه مسلماً می‌دونه که تو دل این بنده‌اش چیه» (پسر ۱۲ ساله)، «خدا همه چیز رو خودش آفریده به همین خاطر از همه چیز خبر داره» (دختر ۱۲ ساله)، «ما وقتی چیزی رو اختراع می‌کنیم اختیاریش دست خودمونه، خدا هم همین جور، زمین و آسمون و موجودات رو آفریده می‌تونه همه‌اش رو نابود کنه یا هر کاری باهاشون انجام بده» (دختر ۱۲ ساله)، «یه نفر که یه چیزی رو درست می‌کنه می‌تونه توش یه چیزی بگذاره که هر چی برای او اتفاق می‌افته نشون بده، این طوری خدا از هر کاری که ما بکنیم خبر داره» (پسر ۱۲ ساله)، بیانگر این برداشت است.

برخی از پژوهشگران از جمله، تاتالا<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، والسا<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) معتقدند: از ۱۲ سالگی به بعد نوعی اعتقادات دینی خودمختارانه آشکار شکل می‌گیرد و به تدریج در فرد درونی می‌شود. به اعتقاد فاولر نیز افرادی که به این مرحله می‌رسند درباره عقاید و ارزش‌های خود نقادانه تأمل می‌کنند و می‌پذیرند که دیدگاه آنها در مورد دنیا فقط یکی از چند دیدگاه احتمالی است (فاولر، ۱۹۸۱، ص ۲۲۴). آنها فعالانه ایدئولوژی شخصی ایجاد می‌کنند و با گذشت زمان به اصلاح آن می‌پردازند. آنها می‌پرسند: «این مناسک و نمادهای مذهبی واقعا چه معنایی دارند؟».

در سنین اولیه این دوره، نوجوان از لحاظ شناختی به مهارت‌های اولیه تفکر مانند تفکر درباره احتمالات متعدد، موارد انتزاعی‌تر، فرایند تفکر درباره خود، تفکر درباره ابعاد چندگانه پدیده‌ها و پذیرش نسبی‌گرایی در مقابل قطعی‌نگری دست یافته‌اند. «من تلاش می‌کنم که به دستورات خدا عمل کنم،

مثلاً حجابم رو نگه دارم. اما خوب اون کسی هم که حجاب رو رعایت نمی‌کنه، شاید برای خودش دلیل داره» (دختر ۱۳ ساله)، «کسی که ایمان من رو زیر سؤال می‌بره، من بهش می‌گم تو حق نداری این کار رو بکنی. اما کاری هم بهش ندارم چون شاید فکر می‌کنه ایمان نداشته کار درستیه» (پسر ۱۳ ساله)، نمونه‌هایی در این سطح است. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان برای این مرحله نام «ایمان انتزاعی سطح اول» را پیشنهاد کرد.

در مرحله چهارم ایمان به خدا، بر پایه یافته‌های این پژوهش، حدود ۶۱ درصد از آزمودنی‌های ۱۴ تا ۱۷ ساله در این مرحله قرار دارند و هیچ یک از آزمودنی‌های گروه‌های سنی دیگر، نتوانستند به این مرحله از ایمان به خدا دست یابند. بررسی پاسخ این گروه از آزمودنی‌ها درباره ایمان به خدا نشان می‌دهد که به درکی نسبتاً عمیق از ایمان به خدا دست یافته‌اند، درکی که سایر گروه‌های سنی از دستیابی به آن عاجزند.

در این مرحله، در کنار دستیابی نوجوان به درک انتزاعی از خدا و سایر مفاهیم دینی، دینداری و ایمان به خدا حالتی درونی شده به خود می‌گیرد. در واقع، تحولات رخ داده در مراحل قبل در کنار آموزشی که فرد دریافت کرده، در این مرحله به ثمر نشسته و ایمان به خدا در او درونی شده است. در سایه درک انتزاعی از خدا و صفات او و درک نسبتاً بالا از نعمت‌های الهی و وظایف انسان در برابر خدا، به اضافه برخورداری از احساس صمیمیت و نزدیکی با خدا و کسب آرامش در کنار او و نیز رعایت موازین دینی، ایمان به خدا در فرد به حدی از قوام و استحکام رسیده که می‌تواند فرد را به سوی عمل با اختیار به موازین و دستورات دینی سوق دهد. نمونه گفته‌های به دست آمده از مصاحبه: «خدا دو راه مشخص کرده: یکی شقاوت بدی، یکی خیر و خوبی، و یک نفس اماره هم هست که افراد با غلبه بر نفس اماره بهشت می‌رن و با پیروی از هوای نفس به سمت شقاوت می‌رن» (دختر ۱۶ ساله)، «من به خدا ایمان دارم چون می‌دونم خدایی هست که من رو آفریده و نعمت‌هاش رو در اختیار من گذاشته. اعتقاد به خدا باعث می‌شه زندگی‌م هدف داشته باشه» (دختر ۱۶ ساله)، «خدا همه کاری می‌تونه بکنه، می‌تونه کاری کنه که مردها بچه بزاون ولی این کار رو نمی‌کنه چون خدا حکیمه. اگر این کار رو بکنه عالم به هم می‌ریزه» (پسر ۱۷ ساله)، مؤید این تبیین است.

مطابق دیدگاه گلدمن، در مرحله آخر تفکر مذهبی (دوره دوم تفکر مذهبی شخصی) که تقریباً از ۱۳ سالگی شروع می‌شود، تفکر به صورت فرضیه‌ای و قیاسی و بدون ممانعت عناصر عینی انجام می‌گیرد (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۹۰). در این حال، تفکر در شکل نمادین یا انتزاعی میسر می‌گردد و

تلاش‌هایی صورت می‌گیرد تا فرضیه‌ها خارج از حوزه تجارب وضع گردیده و با بهره‌گیری از برهان، قبول یا رد شود. نوجوان می‌تواند با یک تئوری آغاز کند و به واقعیت‌هایی که حوزه تفکر او را به طور قابل ملاحظه‌ای گسترش دهد، بازگشت نماید.

براین اساس، ایمان به خدا در این مرحله، انعکاس‌دهنده توسعه و تحول ظرفیت نوجوان برای فرض شقوق مختلف و انتخاب از میان گزینه‌های گوناگون است. بدین ترتیب، تحول شناختی در کنار بهره‌مندی از آموزش، که نظریه‌پردازان متعددی مانند گلدمن و ویگوتسکی بر ضرورت آن در تحول مذهبی تأکید کرده‌اند، به تحول شناختی فرد نیز وابستگی تام و تمام دارد. نمونه گفته یک پسر ۱۷ ساله می‌تواند مؤید این توصیف باشد: «خدا ما رو آفریده تا به اون هدف اصلی خلقت که برای اون آفریده شدیم، برسیم. هدف اصلی از خلقت ما اینه که به خدا پی ببریم و به خدا برسیم».

تحول ایمان به خدا افزون بر تحول شناختی، عاطفی و رفتاری، به ساختار تفکر کلی مذهبی نیز بستگی دارد. به اعتقاد فالور، تحول ایمان به خدا در نوجوانی در واقع جابجایی از اقتدار مذهبی بیرونی به اقتدار درونی است (فالور، ۱۹۸۱، ص ۱۴۳). هر چند در وهله نخست این جابجایی، رهاسازی اصول و ارزش‌های مشترک به نظر می‌رسد، اما در حقیقت عکس آن است. زیرا آنچه رها می‌شود اصول و ارزش‌ها نیست بلکه رهایی از تبعیت کورکورانه از دیدگاه مذهبی بیرونی به دیدگاه عارفانه و عمیق درونی است برخی از پاسخ‌های آزمودنی‌ها این معنا را می‌رساند. نمونه‌های زیر می‌تواند این توصیف را نشان دهد.

«به خدا که فکر می‌کنم احساس می‌کنم که یک ذره کوچک هستم در مقابل یک چیز خیلی بزرگ، که اون هم به دنبال این نیست که باهات مقابله کنه، بلکه هوات رو داره» (دختر ۱۶ ساله).  
«من وقتی که خدا یه حاجتم رو برآورده می‌کنه احساس می‌کنم در مقابل خدا چقدر کوچکم، باید شکرش رو به جا بیارم، اما موقعی که یک کار بدی می‌کنم احساس خجالت و شرمندگی می‌کنم. احساس می‌کنم در مقابل خدا خیلی حقیر شدم» (پسر ۱۷ ساله).

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان مرحله چهارم تحول ایمان به خدا را در این پژوهش، مرحله «ایمان انتزاعی کامل» نام‌گذاری کرد.

**توصیف اجمالی مراحل تحول ایمان به خدا:** در اینجا خلاصه‌ای از مراحل تحول ایمان به خدا بر اساس یافته‌های پژوهش می‌آوریم.

۱. ایمان حسی نامتمایز: تصور کودکان از خدا مشابه تصور آنان از انسان است و نسبت‌های مادی مثل (دست و پا داشتن) به خدا می‌دهند. برای کودک در این مرحله، نظام معنایی و هدفمندی زندگی

مطرح نیست، هیچ چیز در این باره نمی‌داند. می‌گوید خدا را دوست دارد و او را مهربان می‌داند، اما درد دل کردن و احساس نزدیک بودن با او را گزارش نمی‌کند. معنای ایمان داشتن به خدا را نمی‌داند و حداکثر آن را به دوست داشتن خدا معنا می‌کند. کارهای خوب را انجام می‌دهد نه به خاطر اینکه دستور خداست، بلکه چون کار خوبی است، یا چون پدر و مادر یا دیگری گفته که انجام دهد. تصمیم به مؤمنانه زیستن برای کودک اصلاً مطرح نیست.

۲. ایمان مفهومی آموخته‌شده: کودکان در این مرحله، خدا را موجودی مادی و در عین حال، با ویژگی‌هایی فراتر از انسان معرفی می‌کنند. درباره نظام معنایی و هدفمندی انسان، چیزهای مختصری آموخته‌اند هر چند معنای آنها را به درستی درک نمی‌کنند. با خدا صحبت و درد دل می‌کند. ایمان به خدا را گوش کردن به دستورات خدا معنا می‌کند و دلیل عمل کردن او به آنها، رفتار متقابل در مقابل نعمت‌های خدا است. مؤمنانه زیستن برای کودک هنوز هم مطرح نیست هر چند با آموزه‌های دینی تا حدودی آشنا شده است.

۳. ایمان انتزاعی ابتدایی: نوجوان خدا را موجودی غیرمادی می‌داند اما در توصیف او توان کنار گذاشتن عناصر عینی را ندارد. در این مرحله افراد سؤال از هدف از آفرینش انسان را می‌فهمند و در پاسخ آن، چیزهایی را که آموخته‌اند (مثل امتحان الهی) می‌گویند اما نمی‌توانند آن را به خوبی توضیح دهند. علاوه بر درد دل کردن با خدا، رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا را گزارش می‌کنند و معتقدند خدا به آنها توجه دارد و آنها را می‌بیند. ایمان به خدا را به اعتقاد داشتن به وجود او و آفرینندگی او معنا می‌کنند و ایمان داشتن به او و عمل به دستورات او را کاری درست و عقلانی می‌دانند. در عین حال، مؤمنانه زیستن که همه ابعاد زندگی را دربر گیرد برای آنها مطرح نیست.

۴. ایمان انتزاعی کامل: نوجوان در این مرحله، خدا را موجودی غیرمادی می‌داند و توصیفی کاملاً انتزاعی و غیرمادی از خدا و صفات او ارائه می‌دهد. هدفمندی آفرینش برای او مطرح است و معتقد است که خدا انسان‌ها را برای عبادت و بندگی، امتحان و ... آن آفریده و او باید به دنبال سعادت ابدی خود باشد. علاوه بر رابطه نزدیک با خدا، در مقابل او حس شکرگزاری (در مقابل نعمت‌های خدا) و شرمندگی (در مقابل خطاهای خود) دارد. ایمان او به خدا و پایبندی‌اش به دستورات خدا فراتر از عاقلانه است. او می‌گوید بدون ایمان به خدا، زندگی بیهوده و بی‌ارزش است. مؤمنانه زیستن در همه ابعاد زندگی برای او امری اساسی است.

مقایسه مراحل ایمان به خدا در این پژوهش با پژوهش نوذری: این پژوهش، عمدتاً بر مبنای



کار نظری نوذری (۱۳۸۹) انجام گرفته است. از این رو، لازم است در پایان مقایسه‌ای میان یافته‌های نظری وی و نتایج این پژوهش انجام گیرد.

هر چند تفاوت‌هایی میان این دو در ویژگی‌های هر یک از مراحل ایمان به خدا دیده می‌شود با این حال، می‌توان گفت: عمده‌ترین تفاوت به تقسیم‌بندی مراحل مربوط می‌شود. نوذری ایمان کودکی سوم (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲ سالگی) را «ایمان آگاهانه - داستانی - لفظی» می‌نامد و معتقد است: در این مرحله، مؤلفه‌های ایمان به خدا در شکلی متمایز و تاحدودی منسجم شکل می‌گیرند. نوذری، همچنین دوره نوجوانی را تحت عنوان «تکوین اولیه هویت ایمانی» مطرح می‌کند (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۹۷). در مقابل، بر اساس یافته‌های این پژوهش، دامنه سنی ۷ تا ۱۷ سالگی را می‌توان در قالب چهار مرحله تقسیم‌بندی کرد که کودکی سوم شامل دو مرحله و نوجوانی نیز مشتمل بر دو مرحله باشد.

به نظر می‌رسد این مسئله ناشی از آن است که ویژگی‌هایی که در مطالعه نوذری برای کودکی سوم و نیز برای نوجوانی مطرح شده‌اند، در مطالعه حاضر، هر یک از آنها در دو مرحله مجزا مطرح شده‌اند. برای نمونه، در پژوهش نوذری، در کودکی سوم، کودک خدا را یک انسان در نظر می‌گیرد؛ در حالی که در مطالعه حاضر این امر به دو مرحله: «شناخت حسی و مادی از خدا» و «شناخت خدا به عنوان موجودی فوق انسانی» تقسیم شده است. همچنین در مطالعه نوذری، شکرگزاری در مقابل خدا و شرمندگی در برابر او به عنوان ویژگی مؤلفه عاطفی ایمان در دوره نوجوانی به‌طور کلی مطرح شده، اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، شکرگزاری در مقابل خدا، ویژگی مربوط به اوایل نوجوانی، و «شرمندگی در برابر خدا»، ویژگی مربوط به مرحله دوم نوجوانی می‌باشد.

براین اساس، می‌توان گفت مراحل اول در هر یک از دو دوره کودکی سوم و نوجوانی (به دست آمده در این پژوهش)، زمینه شکل‌گیری مرحله (که همه کودکی یا نوجوانی را دربر می‌گیرد) فراهم می‌سازند. در واقع، مرحله‌های اول و سوم، بسترساز تحقق کامل مراحل کودکی سوم و نوجوانی می‌باشند و نه مرحله‌های مجزا.

بدین ترتیب، میان یافته‌های پژوهش نظری نوذری و نتایج پژوهش تجربی حاضر، تفاوت عمده‌ای وجود ندارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها، جمع‌بندی نتایج پژوهش عبارت است از: پس از طبقه‌بندی سنی آزمودنی‌ها

در چهار گروه ۷ تا ۸، ۹ تا ۱۱، ۱۲ تا ۱۳ و ۱۴ تا ۱۷ سال بر اساس همگونی میانگین‌ها در سنین مختلف و تفاوت معنادار بین هر گروه سنی، مشخص شد که ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان مسلمان ایرانی (شهر قم) در دامنه سنی ۷ تا ۱۷ ساله دارای چهار مرحله حسی و مادی، مفهومی آموخته شده، انتزاعی سطح اول و انتزاعی کامل است. بنابراین، با بالا رفتن سن و تحولات شناختی ایمان به خدا از حسی بودن به سوی انتزاعی بودن تحول پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، نمره کلی ایمان به خدا و ابعاد آن افزایش می‌یابد.

محدودیت‌های پژوهش: بکارگیری روش مقطعی، از محدودیت‌های پژوهش حاضر به حساب می‌آید. از آنجاکه در این گونه طرح‌ها هر آزمودنی تنها یک بار مورد مشاهده و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، پژوهشگران نمی‌توانند درباره اینکه چگونه افراد در طول سن تغییر می‌کنند، اطلاعات کافی به دست بیاورند. افزون‌براین، چون پژوهش در یک زمان خاص انجام می‌شود برای مشاهده و بررسی تغییرات تحولی دچار محدودیت است. نمونه آماری این پژوهش از جامعه دانش‌آموزان شهر قم به دست آمده است. با توجه به اینکه شهر قم از نظر ساختار فرهنگی و مذهبی تقریباً با سایر شهرهای کشور تفاوت دارد بنابراین، نتایج پژوهش را باید با احتیاط به سایر شهرها تعمیم داد. محدودیت زمانی پژوهشگر و نیز ویژگی‌های ابزار گردآوری داده‌ها (مصاحبه) موجب شد تا نمونه مورد مطالعه این پژوهش به دامنه سنی ۷ تا ۱۷ سال محدود شود. به همین دلیل نمی‌توان در مورد تحول ایمان به خدا در سنین پایین‌تر و بالاتر استنباط کاملی به عمل آورد. محدودیت دیگر این پژوهش، استفاده از روش مصاحبه است که سبب می‌شود تا نتایج با احتیاط بیشتری تفسیر و تعمیم یابد. هرچند بنا بر دلایل متعدد از جمله نیاز به واریاسی پاسخ آزمودنی‌ها از طریق برخی سؤال‌ها و نیز در دسترس نبودن آزمون‌ها و ابزارهایی عینی‌تر و نیز اطمینان بیشتر نسبت به درک درست و کامل سؤال‌ها توسط آزمودنی‌ها، اجرای روش مصاحبه اجتناب‌ناپذیر بود، وجود برخی نقاط ضعف در این روش باعث می‌شود تا یافته‌ها با احتیاط در نظر گرفته شود. برای نمونه، یکی از مشکلات این روش آن است که احتمال دارد آزمودنی‌ها در مصاحبه‌ها و موقعیت‌های چهره‌به‌چهره با یک آزمونگر، از ارائه پاسخ‌های واقعی خودداری کرده و تلاش کنند تا پاسخ‌های مطلوب (از نظر اجتماعی) ارائه دهند.

پیشنهادهای پژوهش: ۱. اجرای پژوهش‌های طولی سبب می‌شود تا فرایند تحول ایمان به خدا و چگونگی شکل‌گیری و تغییر آن با افزایش سن در کودکان و نوجوانان با عمق و دقت بیشتری بررسی شود. ۲. اجرای این پژوهش در شهرهای دیگر که از نظر ساختار فرهنگی و دینی با یکدیگر تفاوت

داشته باشد، افزون بر روشن تر ساختن فرایند تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان، امکان مقایسه یافته‌ها را در فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌آورد.

۳. مطالعه دوره‌های سنی پایین تر و نیز بالاتر از دوره سنی مطالعه حاضر این امکان را فراهم می‌آورد تا ساختار روشن تری از وضعیت تحول ایمان و نیز گستره تغییر یا ثبات آن در سال‌های آتی زندگی به دست آید.

۴. توسعه ابزارهای عینی برای اندازه‌گیری تحول ایمان و کاربرد آنها همراه با مصاحبه با والدین و کسانی که با ویژگی‌های کودکان آشنایی بیشتری دارند افزون بر افزایش روایی اندازه‌گیری، امکان بررسی بیشتر پاسخ‌ها و نمره‌گذاری عینی‌تر آنها را فراهم می‌آورد.



## منابع

- اسکندری، حسین (۱۳۸۶)، خدا به تصور کودکان، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۲۰۰۷)، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا (۱۳۸۹)، تهران: سروش.
- خادمی، عزت (۱۳۶۸)، «درک کودکان دبستانی از مفاهیم دینی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۳ و ۴، ص ۱۱۵-۹۳.
- دادستان، پریخ (۱۳۸۷)، ۱۸ مقاله در روان‌شناسی، تهران: سمت.
- سرمذ، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج‌البلاغه، قم: هجرت.
- شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۳۷۹)، علم الیقین، ترجمه حسین استادولی، تهران: حکمت.
- کیرگور، سورن (۱۹۹۹)، ترس و لرز، ترجمه عبدالکریم رشیدیان (۱۳۷۸)، تهران: نشر نی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، میزان‌الحکمه، قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- موسوی‌نسب، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹)، بررسی تحول فهم دعا در کودکان و نوجوانان، پایان‌نامه دکتری رشته علوم تربیتی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نوذری، محمود (۱۳۸۹)، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی، پایان‌نامه دکتری رشته علوم تربیتی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- Bentler, P. M. (1993) EQS: Structural Equation Program Manual, Los Angeles: PMDP Statistical Software.
- Browne, M. W., & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. In K. A. Bollen & J. SLong (Eds.), Testing structural equations models, Newbury Park, CA: Sage, p. 136-162.
- Byrne, B. M. (1989). A primer of LISREL: Basic applications and programming for confirmatory factor analytic models. New York: Springer-Verlag.
- Elkind, D. (1970). The origins of religion in the child. Review of Religious Research, 12, p. 35-42.
- Fowler, J. W., Stage of Faith, Son Francisco, Harper, 1981.
- Goldman, R. (1964). Religious thinking from childhood to adolescence. New York: Seabury Press.
- Jöreskog, K.G., & Sörbom, D. (2003). LISREL 8.54 for Windows [Computer Software]. Lincolnwood, IL: Scientific Software International, Inc.
- Plante, T.G., & Boccaccini, M. (1997). The Santa Clara Strength of Religious Faith Questionnaire. Pastoral Psychology, 45, 375-387.
- Shrout, P. E. and Fleiss, J. L. (1979) Intraclass correlations: uses in assessing rater reliability. Psychological Bulletin, 86, 420-3428.
- Streib, H. (2001). Faith development theory revisited: The religious styles perspective. The International Journal for the Psychology of Religion, 11, 143-158.
- Tatala, M. (2009). Development of prayer in adolescence and youth. Journal of Psychology and Counseling, 1(7), 113-116.
- Walesa C (2006), Rozwój religijno\_ci młodzie\_y (The religious development of adolescents), Encyklopedia Katolicka [Catholic Encyclopedia] Lublin: Towarzystwo Naukowe KUL., 1424-1430.
- Tillich, P. (1957). Dynamics of Faith, Harper and Row Publishers, New York.